بعضی از پرونده‏های مهم‏ دیوان کیفر

نویسنده : نجفی، حسین



1-درآمد

هدف من از انتشار این یادداشت‏ها این است که اولا سیمای‏ دادگستری ایران قبل از انقلاب 1357 را تا آن‏جا که در توان دارم‏ عاری از هر گونه حبّ و بغض در دسترس همگان قرار دهم و از سر صدق اعلام می‏کنم که در دادگستری آن زمان در ایران بسیار کسانی بودند که هم از جنبه‏ی علمی و هم از الحاظ فضیلت،تقوا، شهامت قضایی و قدرت مقابله با مشکلات حرفه‏ی خود در پایه‏های‏ برتری از من قرار داشتند و در برابر توقعات نابجای مقامات بالاتر و قوه‏ی مجریه،با اراده‏یی راسخ و استوار،راه خود را در جهت احقاق‏ حق و اجرای عدالت با قدرت هر چه تمام‏تر ادامه می‏دادند و گاهی‏ هم با مشکلات و نگرانی‏های بسیار جدّی روبه‏رو می‏شدند.

هم‏چنین در این نوشته‏ها سعی کرده‏ام میزان و درجه‏ی عمل‏ مقامات اجرایی را در برابر عملکرد دستگاه قضایی نشان دهم و آن‏ را به عنوان مجملی از حدیث مفصل در برابر دیدگان نسل جوان و آگاه امروز کشورمان قرار دهم.

هم‏چنین تلاش و کوشش کرده‏ام به علل و عوامل و ریشه‏های‏ رخ داد سهمگین بهمن ماه 1357 نیز بپردازم و در این باره‏ برداشت‏های خود را برای ثبت در تاریخ به عرض خوانندگان ارجمند برسانم.

2-دیوان کیفر

برای اطلاع و آگاهی خوانندگان و آشنایی آنان با سازمان‏ دادگستری ایران قبل از انقلاب سال 1357 شمسی توضیح می‏دهم‏ که دیوان کیفر کارکنان دولت مرکب از دادسرا و دادگاه‏های وابسته‏ به آن،سازمانی بود که رسالت قانونی آن رسیدگی به اتهام کارکنان‏ دولت بود.1

این سازمان ابتدا در سال 1307 شمسی به موجب قانون،در زمان‏ شادروان علی اکبر داور وزیر دادگستری وقت،زیر عنوان«دیوان‏ جزای عمّال دولت»به وجود آمد و در سال‏های پس از آن هم‏ اصلاحاتی به مرور در مقررات آن به عمل آمد تا در زمان‏ نخست‏وزیری شادروان دکتر محمد مصدق که وجود دادگاه‏های‏ اختصاصی را مغایر با اصل صلاحیّت عام دادگاه‏های دادگستری‏ می‏دانست،منحل گردید.اما باز در سال 1334 شمسی مجددا زیر عنوان«دیوان کیفر کارکنان دولت»با تشکیلات و مقرراتی که قبل‏ دکتر حسین نجعفی‏ وزیر اسبق دادگستری

از انحلال آن وجود داشت تشکیل یافت‏2و از آن زمان به عنوان‏ قسمتی از سازمان دادگستری ایران به فعالیت خود تا انقلاب سال‏ 1357 ادامه می‏داد.

در ماه‏های آخر سال 1342 شمسی که شادروان حسن علی‏ منصور به نخست‏وزیری رسید،مسوولیت وزارت دادگستری به دکتر باقر عاملی سپرده شد.عاملی از قضات سرشناس و باسابقه‏ی‏ دادگستری بود و بین من و او از دیرباز باب آشنایی و دوستی باز شده‏ بود.از طرف دیگر من با شادروان حسن علی منصور نیز آشنا بودم.

وزیر دادگستری مرا برای تصدی مقام دادستانی دیوان کیفر کارکنان دولت در نظر گرفته بود.ولی من با اظهار تشکر از حسن‏ ظنّ مقام وزارت از قبول این سمت عذر خواستم و در توضیح علت‏ امتناع خود از قبول سمت پیشنهادی اظهار کردم:درست است که‏ سمت دادستانی دیوان کیفر بیش‏تر از مشاغل قضایی‏ست،اما واقعیت این است که عملکرد این نهاد قضایی مقداری رنگ‏وبوی‏ سیاسی هم پیدا کرده است.

آقای وزیر در پاسخ من اظهار داشت:خواست دولت حاضر جز اعمال اصول و قوانین موجود و اجرای عدالت چیز دیگری نیست و شما در این سمت هم می‏توانید چنان که در مشاغلی قبلی انجام‏ وظیفه کرده‏اید،از این پس نیز به همین کیفیت به خدمت ادامه‏ دهید.

با قول صریح ایشان من پذیرای این مسوولیت شدم و رضایت‏ کتبی خود را برای تغییر شغل تسلیم کردم.متعاقب قبول این‏ مسوولیت دو رویداد غیر متعارف و سوال برانگیز روی داد؛اول آن‏که‏ آقای وزیر خطاب به من اظهار داشت:آقای منصور ترتیب شرفیابی‏ شما را داده‏اند،آماده شوید که فردا شما را به عنوان دادستان دیوان‏ کیفر و آقای فیلسوفی را به عنوان دادستان تهران رسما به حضور شاه‏ معرفی کنم.در صورتی که تا آن زمان در مورد دادستان دیوان کیفر و دادستان تهران چنین مراسمی برگزار نمی‏شد.

رویداد دیگر این بود که در اولین روزهای اشتغال من که‏ همکاران و دوستان و آشنایان و وکلای دادگستری و دیگر افراد برای‏ تبریک شغل جدید به دفتر من تشریف می‏آوردند،ناگهان مشاهده‏ کردم که تیمسار نعمت اللّه نصیری،رییس سازمان اطلاعات و امنیت‏ کشور برای تبریک شغل جدید به دیدار من آمد،در صورتی که در حال‏ و هوای آن روز ایران و موقعیتی که ایشان داشت عمل ایشان سوال برانگیز بود.ایشان حتا در مورد وزرا هم‏چنین وظیفه‏یی برای‏ خود احساس نمی‏کرد و من نشنیده بودم که وی به دیدار وزیر یا معاون برای عرض تبریک رفته باشد.ایشان پس از ورود به دفتر من‏ و اظهار خوش وقتی از انتصاب من و چند دقیقه توقف،دفتر مرا ترک‏ گفت.من پس از چند روز به بازدید ایشان رفتم.مرا به گرمی‏ پذیرفت و چند قدمی به استقبال من آمد و پس از تعارفات معمول و صرف یک چای با ایشان خداحافظی کردم.او در حالی که شخصا مرا چند گامی مشایعت می‏کرد،اظهار داشت آقای رحیم علی خرم‏ مقاطعه‏کار شهرداری تهران پرونده‏یی در دادسرای دیوان کیفر دارد و از شما خواهش می‏کنم،در ختم پرونده او را کمک کنید تا بتواند طلب خود را از شهرداری وصول نماید.

من تا این لحظه از وجود چنین پرونده‏یی آگاه نبودم،واقعیت را به ایشان توضیح دادم و اضافه کردم،انشاء اللّه سرفرصت آن را مطالعه و نتیجه را به اطلاع جناب عالی می‏رسانم و از دفتر ایشان‏ خارج شدم و به این ترتیب علت لطف ایشان را در دیدار اولیه با خودم‏ دریافتم.

3-پرونده‏ی دکتر علی امینی و همسرش

یکی از پرونده‏هایی که در دستور کار من قرار داشت،پرونده‏یی‏ بود که پس از استعفای آقای دکتر علی امینی و نخست‏وزیری آقای‏ علم علیه آقای امینی،بعضی از همکاران ایشان،همسر ایشان و معاونین وزارت‏خانه‏ها در دادسرای دیوان کیفر مطرح شده بود که‏ مورد رسیدگی قرار داشت و من به علت تراکم کارها و کثرت‏ مراجعین ناچار بودم به کندی آن‏ها را مورد مطالعه قرار دهم. واقعیت این است که وجه مشترک این پرونده‏ها و پرونده‏های دیگر این بود که هیچ یک پایه و اساسی نداشت و متکی به مدرک،دلیل، سند یا قرینه و اماره در خور توجهی نبود.فی‏المثل نسبتی که به‏ همسر ایشان داده شده بود،تا آن‏جا که به خاطر دارم این بود که در برابر فروش قطعه زمینی در الهیه به مبلغ گزافی بیش از قیمت روز موجبات فرار متهمی را از ایران فراهم کرده بودند.شادروان مهندس‏ عبد الحسین ابراهیمی را که استاد دانشکده‏ی فنی دانشگاه تهران و مردی بسیار متدین،باتقوا،بافضلیت و در شهامت و شجاعت‏ اخلاقی در خور احترام و تحسین بود با مشورت با آقای بازپرس که‏ پرونده زیر نظر ایشان مورد رسیدگی بود،به عنوان کارشناس انتخاب‏ کردم و با این‏که می‏دانستم کوچک‏ترین احتیاجی به تذکر ندارد و او کارهای خود را به دقتی در خور وسواس و به نحو احسن انجام‏ می‏دهد،معذلک از ایشان خواهش کردم که در این مورد هر چه‏ بیش‏تر و با دقت کامل مسأله را مورد رسیدگی قرار دهد و ایشان نیز پس از تحقیق کامل اظهارنظر کرده بود که«زمین مزبور نه تنها گران‏تر از قیمت روز نبوده،بلکه مقداری هم به کم‏تر از نرخ روز مورد معامله قرار گرفته است و چون آقای دکتر امینی از طرف‏ بازپرس برای ادای توضیحات در مورد زمین به دادسرای دیوان کیفر احضار شده بود،من برای این‏که هنگام ورود ایشان به کاخ‏ دادگستری برخورد یا حادثه‏یی نامطلوب رخ ندهد از آقای مهندس‏ عبد الحسین متینی عسگری که در سمت ریاست انتظامات کاخ‏ انجام وظیفه می‏کرد،خواهش کردم که ایشان را هنگام ورود به کاخ‏ (به تصویر صفحه مراجعه شود)دادگستری به اطاق آقای بازپرس راهنمایی کند و مراقبت نماید که‏ برخورد نامناسبی رود ندهد و از بازپرس هم خواهش کردم که وقت‏ تحقیق از ایشان را در ساعاتی که مراجعه مردم در کاخ کم‏تر است‏ قرار دهند و این کار بحمدللّه به خوبی انجام گرفت و آقای دکتر امینی پس از تحقیق دفتر آقای بازپرس را ترک کرد.

پی‏نوشت‏ها

(1)-ماده‏ی دوم قانون تشکیل دیوان کیفر مصوب اردیبهشت ماه 1334 شمسی: «رسیدگی به کلیه‏ی جرایم استانداران،معاونین وزارت خانه‏ها،مدیران کلّ، فرمانداران،روسای ادارات استان‏ها و شهرستان‏ها و کلیه‏ی کارکنان قضایی که‏ به سبب شغل دولتی مرتکب می‏شوند،در دیوان کیفر به عمل می‏آید».

(2)-ماده‏ی اول«دیوان کیفر کارکنان دولت با تشکیلات و مقرراتی که قبل از انحلال آن وجود داشته،تشکیل می‏شود».

مراکز فروش حافظ و دیگر انتشارات‏ دایرة المعارف ایران‏شناسی

1-انتشارات دایرة المعارف ایران‏شناسی:تقاطع فلسطین و انقلاب-ساختمان مهر-شماره‏ی 2-طبقه‏ی سوم

2-انتشارات مولی(کتابفروشی):خیابان انقلاب-بین وصال‏ و چهار راه فلسطین

3-کتاب فروشی توس:خیابان انقلاب-اول ابوریحان

4-کتاب فروشی طهوری:خیابان انقلاب-روبروی دانشگاه

5-کتاب فروشی خوارزمی:خیابان انقلاب-روبروی دانشگاه

6-کتاب فروشی بیگوند:خیابان انقلاب-تقاطع وصال

7-کتاب فروشی شیوا:خیابان انقلاب-اول خیابان فخر رازی

8-کتاب فروشی پکا:خیابان فلسطین-نبش کوچه‏ی نایبی

9-انتشارات بعثت:خیابان انقلاب-بعد از چهار راه فلسطین‏ پلاک 1222

10-نشر ثالث:بلوار کریم خان زند

11-اسرار دانش:خیابان انقلاب-خیابان دوازده فروردین

12-دکه‏های فعّال روزنامه فروشی سراسر کشور